**اعلامیه حزب حکمتیست**

**رفراندم، سنگری پوشالی در مقابل سرنگونی طلبی**

جامعه ایران مانند کوه آتشفشان در غلیان است و وحشت از سرریز کردن مجدد امواج آتشین سرنگونی خواهی، کل نظام اسلامی و کاربدستانش را در وحشت و کابوسی سنگین فرو برده است. این خصوصیت دوره های تحول انقلابی و پایان رژیمهای استبدادی است که در مقابل فشار پائینی ها، در بدنه و حاشیه حکومتها، پرچمهای "دفاع از قانون اساسی" و "اصلاح نظام" برافراشته میشود. "بنی احمد" هائی که دیر رسیده اند و هدفی جز دفاع از و بقای وضع موجود ندارند.

بیانیه پانزده نفر از فعالین ملی مذهبی و اصلاح طلب برای برگزاری رفراندم و "گذار به نظامی سکولار و دمکراسی پارلمانی" را حتی نمی توان تلاشی از این نوع دانست. اینان که عمدتا در استقرار و بقای رژیم سهم ایفا کرده اند، در دوره های مختلف از اسلام و حجاب و رژیم جنایتکار اسلامی دفاع آتشین کرده اند، امروز در عقبه جامعه هم قرار ندارند. مردم میگویند مرگ بر جمهوری اسلامی، خواهان سرنگونی اند، و رفراندم چی ها از خامنه ای و سازمان ملل میخواهند که برایشان جهت "گذار از نظام بطرق مسالمت آمیز" رفراندم برگزار کند! اینها درست زمانی از "مسالمت جوئی" سخن میرانند که اصلاح طلبی اسلامی و کل نمادها و ارزشهای حکومت اسلامی در خیابانها اجتماعا و با صدای رسا باطل اعلام شده است. این مسالمت جوئی، که دیگر میان طیفی از فعالین سیاسی و نیروهای اپوزیسیون ایران به یک موتاسیون ژنتیکی ارتقا پیدا کرده است، نه در تقابل با توحش اسلامی حاکمیت و شکنجه و قتل معترضین، بلکه علیه مردم، علیه عمل انقلابی، علیه سرنگونی طلبی، علیه رادیکالیسم، علیه کارگر و سوسیالیسم است.

بحث رفراندم طی سالهای طولانی توسط طیفهای مختلف بورژوازی ایران اعم از ملی اسلامی و پرو غربی طرح شده و هر بار مفتضحانه شکست خورده است. رفراندم طرحی جادوئی و نسخه ای برای تمام فصول نیست، یک مکانیزم شبه دمکراتیک برای یک همه پرسی موضوعی است که تنها میتواند تحت شرایط خاصی برگزار شود و ضرورتا راه حل مناسب پاسخ به هر معضلی نیست. هر مسئله مطرح در جامعه ضرورتا راه حل دمکراتیک ندارد؛ در بسیاری اوقات به طرق انقلابی بسیار ریشه ای تر و واقعی تر میتوان پاسخ مسئله و سئوال مورد نظر را داد. اما حتی بحث برسر سئوال رفراندم، شرایط رفراندم، ابزار و چگونگی اجرای رفراندم و مجری رفراندم هم نیست. بعید است که امضاکنندگان این بیانیه غیر جدی بودن و غیر عملی بودن طرحشان را متوجه نباشند. چه کسی نمیداند که خامنه ای برای نفی نظام رفراندم برگزار نمی کند؟ اگر اینطور است، پس طرح آن چه ضرورتی دارد؟ اینجاست که این طرح هدفی فراتر از جنبه صوری و اجرائی آن دارد. وقتی روحانی در متن بن بست و تلاشی رژیم از رفراندم در مورد موضوعات مورد اختلاف حرف میزند و جناح ها آنرا به وسیله ای برای کشمکش و صحنه سازی سیاسی بدل میکنند، اپوزیسیون مجاز و حاشیه حکومت هم که یک پا در حکومت و دفاع از حکومت و یک پا در طرحهای آلترناتیو سازی دارد، با طرح این موضوع هم آوائی اش را با اپوزیسیون راست ایران علیه مردم کارگر و زحمتکش و عمل انقلابی اعلام میکند.

رفراندم خواهان هر دعوای درون خانوادگی و درون طبقاتی داشته باشند در یک امر مشترک اند و آن ایجاد نقطه سازش هائی سر راه مبارزه مردم برای یک تعیین تکلیف رادیکال با جمهوری اسلامی است. از رضا پهلوی و اپوزیسیون پرو غرب تا جمهوریخواهان و ملی اسلامی های طرفدار روحانی و خاتمی و اکثریتی توده ای ها و ملیون، همه و هر کدام بنوعی خواهان "رفراندم و انتخابات آزاد و گذار مسالمت آمیز" هستند. همه علیرغم دعوای تاریخی مشروطه - مشروعه علیه عمل انقلابی هستند. تفاوت اینست که امروز اصلاح طلبانی که تا همین چند ماه پیش در مضحکه انتخابات شرکت میکردند و مردم را به شرکت در این نمایش اسارت و تحقیر شعور مردم فرامیخواندند، خود اعلام میکنند رژیم اصلاح ناپذیر است! اگر رژیم اصلاح ناپذیر است و فی الحال مردم علیه آن در ابعاد توده ای بپا خواسته اند، طرح مجدد این شعار و تاکید روی مسالمت جوئی، دفاعی سیاسی و صد البته ارتجاعی از حکومت اسلامی و تلاش برای زدن ترمزی بر عمل رادیکال در جامعه است. تلاشی عبث، بیهوده، از سر بن بست و ورشکستگی جنبش اصلاحات دینی و اعلام پایان جمهوری اسلامی است.

اینها از جامعه بسیار عقب هستند، طرح شان پوچ و بی محتوا و غیر جدی و ضد انقلابی است. "رفراندوم" در خیابانها برگزار شد و توسط دنیا روئیت شد؛ جمهوری اسلامی باید برود! حجاب واسلام و استثمار باید برچیده شود! حال عده ای در اپوزیسیون راست ایران میگویند باشد جمهوری اسلامی برود، اما مسالمت آمیز برود، اساس نظام حفظ شود، ماشین دولتی و دستگاه لفت و لیس دین بماند، آخوند و حکومتش خودش رفراندم بگذارد، سازمان ملل هم نظارت کند که تقلب نشود، اما مردم به خانه هایشان بروند و کارگران به ساحت "مقدس" سرمایه دست درازی نکنند! رفراندوم نه اولین و نه آخرین چتر نجات رژیم و نقط سازش بورژوازی ایران در مقابل امواج مبارزه انقلابی است. از این ایستگاه ها تا یک پیروزی کارگری زیاد خواهیم دید و کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست مصمم است که یک به یک آنها را در میدان سیاست و عمل انقلابی درهم شکند.

**کارگران، مردم آزادیخواه و انقلابی!**

رفراندوم و هر عنوانی از این جنس که در سیر مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی طرح میشود، باید بعنوان یک پارازیت برای ایجاد اغتشاش و تقابل با امیال و آرزوهای وسیع جامعه دیده شود و به همین عنوان نیز با آن مقابله کرد. رفراندم چی های امروز البته خودشان نیروئی نیستند اما به لطف رسانه هائی که همین خط را دارند سر و صدا دارند. همانهائی که دهه های طولانی جامعه و سیاست واقعی و مبارزه مردم را تحریف کردند و منکر شدند و در عوض خمینی و خاتمی و خامنه ای و دیگران را به مردم فروختند، همانها نیز تریبون طرح رفراندوم شدند. در فقدان این امکانات کسی کمترین توجهی به شعارهائی از این دست نمیکرد. حرف مردم روشن است: نه به رفراندوم، مرگ بر جمهوری اسلامی! نه به مماشات با رژیم، زنده باد عمل انقلابی! نه به شرکای دیروز و امروز رژیم اسلامی، زنده باد انقلاب و مبارزه انقلابی علیه وضع موجود!

**مرگ بر جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

**حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست**

٢٦ بهمن ١٣٩٦ – ١٥ فوریه ٢٠١٨